مهر و مهرگان

شهریاری، توران

حافظ » شماره 19 3-دیوان عنصری،منوچهری،رودکی،قطرا تبریزی،حافظ.

4-شاهنامه‏ی فردوسی،ژول مول.

5-در پیرامون شاهنامه،مجموعه‏ی مقالات به کوشش مسعود رضوی،جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران،1369.

6-آیین مهر،میترائیسم،هاشم رضی.

پی‏نوشت‏ها40

(1)-چیزی شبیه به پل صراط در آیین اسلام.

(2)-زینه یا طبقه-هر یک از هفت مرحله‏ی عروج سالک مهری را گویند که با هفت مرحله‏ی معراج عشق همانندی دارد.

(3)-فرشته‏ی رزتشتی.

(4)-بهشت موعود یا سرزمین جان به اعتقاد مهریان باستان.

(5)-پیش از مرگ باید(از تعلقات)بمیرید و جدا شوید.

(6)-هرچند بعضی از محققان بر این باورند که حافظ،هیچ اشاره‏یی به آیین‏ مهری ندارد و این‏ها بر ساخته‏ی ذهن بعضی کج‏فهمان است.امّا باید اذعان‏ کنیم که در چند جای دیوان،دلایل متقن و اساسی داریم که حافظ،بر ویژگی‏های آیین مهری مسلط و آشنا بوده است،همانند دیگر ویژگی‏های‏ فرهنگ کهن‏سال این مرز و بوم.

(7)-برهان قاطع،ج چهارم،ذیل مهرگان.

(8)-شاهنامه‏ی فردوسی،ج اول،ص 62.

(9)-خود واژه‏ی اردهال از دو جزء«ارت»و«هال»به معنی مکان مقدّس می‏باشد که حاکی از،دیرینگی این مراسم است.

(10)-آغاز جشن مهرگان،شانزدهم مهر و پایان آن بیست و یکم مهر بوده است.

(11)-روستایی در حوالی اردهال کاشان.

(12)-امروزه،مردم اعتقاد دارند که این قالیچه،همان فرشی‏ست که پیکر مقدّس‏ امام‏زاده را بر آن حمل کرده بودند.

(13)-مشهور است که چهارشنبه سوری را گاهی به زمان مختار ثقفی و خون‏خواهی سید الشهداء(ع)مربوط می‏سازند یا آیین نوروز را با روز غدیر خم و ولایت حضرت علی(ع)نسبت می‏دهند.

(14)-غزلیات سعدی.

(15)-تلخیص از گفتار دکتر اصغر دادبه در مقدمه‏ی کتاب دولت پیر مغان،سعید نیاز کرمانی،ص 25.

مژده‏ای دوستان مهرگان است‏ مهر با هرکسی مهربان است‏ مهر روز و مهِ فرخِ مهر جشنِ فرخنده‏ی مهرگان است‏ گرمی و پاکی و شادی از اوست‏ فرّ و شیدش کران تا کران است‏ در دلِ گرمِ هر ذره از مهر یک جهان شورِ هستی نهان است‏ نور بخشد به گیتی و مینو شوربخشِ زمین و زمان است‏ مایه‏ی زندگانی و هستی‏ این جهان چون تن و او روان است‏ ایزدِ مهر در دینِ زرتشت‏ فرّ و فرمندی جاودان است‏ «مهریشتِ»دلاویز و زیبا شرح بخشی از این داستان است

جشن مهرگان‏42

علی افشاری-اصفهان

در متون کهن آمده است که مهرگان جشن عظیم است و بعد از نوروز بزرگ‏تر از آن جشنی نیست و حتا در آن‏ برتری‏هایی‏ست که در نوروز نیست.این جشن در تمام آسیای‏ صغیر معمول بوده و از آن‏جا به اروپا رفته و چون زمان آن را روز تولد خورشید نامیرا دانسته‏اند،پس از رواج مسیحیت در اروپا،آن را مصادف روز تولد مسیح انگاشته‏اند و سخت گرایش‏ به آن داشته‏اند.جشن مهرگان را جشن مهر و مودت بین‏ حکّام و رعایا یا پیوند بین دولت و ملت نیز دانسته‏اند که بخش‏ اعظم مراسم آن مربوط به همین موضوع بوده است.

آیین و آداب جشن مهرگان‏43

بیش‏تر آداب و احکام عید مهرگان،شبیه عید نوروز بوده است. در سپیده‏دم روز عید مهرگان،مردی در صحن سرای پادشاه‏ می‏ایستاد و با صدای بلند جار می‏زد که:«ای فرشتگان فرود آیید و شیاطین را سرکوب و از گیتی دور سازید.»آنگاه محیط اطراف را به زیبایی آذین می‏بستند و پادشاهان در این روز روغن مخصوصی به بدن می‏مالیدند و خود را می‏آراستند و لباس‏های منقّش می‏پوشیدند و به می‏گساری می‏پرداختند. قبل از همه موبدان و دانشمندان به حضورشان می‏آمدند و هفت‏خوانی از میوه‏های مخصوص و کتاب اوستا با خودشان به‏ ارمغان می‏آورند.آن‏گاه خواص و عوام هدایای خویش را تقدیم‏ می‏کردند و شاه دستور می‏داد تا نام و نشان آن‏ها را ثبت کنند و فرمان می‏داد به هنگام دادخواهی هدیه‏دهنده جبران نمایند. عامه‏ی مردم نیز در این عید،مثل نوروز اظهار شادمانی‏ می‏کردند.لباس نو می‏پوشیدند،با همدیگر روبوسی می‏نمودند و هدیه می‏دادند،به دیدوبازدید می‏رفتند.در خانه‏ها سفره‏یی‏ پهن می‏کردند و در آن کتاب اوستا،آینه و سرمه‏دان،شراب، گلاب و هفت میوه می‏گذاشتند که عبارت بود از:ترنج،سیب، به،عناب،انگور سفید،انار و کنار و بویژه انار را بر روی آن‏ها می‏چیدند.در ابتدا،قطعاتی از کتاب اوستا را می‏خواندند و برای‏ همدیگر دعا می‏کردند.هم‏چنین اگر در این روز نوزادی متولد می‏شد،اسم او را کلمه‏یی می‏گذاشتند که در آن واژه‏ی مهر باشد.رونق و رواج عید مهرگان،بیش‏تر در دربار شاهان بود و حتا شاهان بلاد دیگر نیز،هدایایی برای پادشاه ایران‏ می‏فرستادند.برای نمونه یک بار پادشاه ارمنستان،در عید مهرگان بیست هزار کره اسب به رسم تحفه،به دربار هخامنشی فرستاد.گفتنی‏ست که انجام مراسم عید مهرگان، بیش‏تر در نزد مردم جنوب ایران رایج بود و این شاید اضافه بر شرایط مساعد آب و هوایی مناطق جنوب،در این هنگام سال، به خاطر آن بوده که پارسیان و ایرانیان قدیم،عمدتا در جنوب و منطقه‏ی پارس ساکن بودند.